

پانوراما (۱۶)

تابستان



ادبیات جهان - ۱۹۰
زمان - ۱۶۳

سرشناسه: کامو، آلبر، ۱۹۱۳-۱۹۶۰ م.
عنوان و نام پدیدآور: تابستان/آلبر کامو: ترجمهٔ بنفشه فریس آبادی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۱۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۲۸۹-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: کامو، آلبر، ۱۹۱۳-۱۹۶۰ م — یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
Camus, Albert -- Notebooks, sketchbooks, etc
موضوع: مقاله‌های فرانسه — قرن ۲۰ م.
French essays -- 20th century
شناسهٔ افزوده: فریس آبادی، بنفشه، ۱۳۶۰، مترجم
رده‌بندی کنگره: PQ ۲۶۳۴
رده‌بندی دیویی: ۸۴۴/۹۱۴
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۸۲۹۱۱۳

تابستان



آلبر کامو
ترجمه بنفشه فریس آبادی

انتشارات فقتوس
تهران، ۱۳۹۸

این کتاب ترجمه‌ای است از:

L'été

Albert Camus

Gallimard, 2016



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

آلبر کامو

تایستان

ترجمه بنفشه فریس‌آبادی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۸

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۳ - ۰۲۸۹ - ۰۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

ISSN: 978-622-04-0289-3

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

۹	یادداشت ناشر
۱۱	دربارهٔ نویسنده
۱۹	مینوتور یا توقفگاهِ وهران
۵۳	درخت‌های بادام
۶۱	پرومته در دوزخ
۶۷	راهنمایی کوچک برای شهرهای بدون گذشته
۷۵	تبعیدِ هلن
۸۳	راز
۹۵	بازگشت به تپیازا
۱۰۷	دریای نزدیک

این کتاب شامل بخش‌هایی است از کتاب عروسی‌ها به ضمیمهٔ تابستان^۱ که انتشارات گالیمار آن را در سال ۱۹۵۹ منتشر کرد.

1. *Noces suivi de l'été*

یادداشت ناشر

دانشجویی که سال‌ها پیش از قیمت بالای کتاب به تنگ آمده بود و آرزوی داشتن کتابخانه شخصی لحظه‌ای دست از سرش برنمی‌داشت، هرگز فکرش را هم نمی‌کرد ایده‌اش بعدها به مجموعه‌ای ارزشمند تبدیل شود؛ مجموعه‌ای که حالا پس از گذشت یک دهه و اندی تعداد عناوینش به عدد پانصد نزدیک شده است. آن دانشجوی بی‌پول علاقه‌مند به ادبیات ناامید نشد و شروع کرد به خریدن کتاب‌های جیبی کم‌حجم و ارزان‌قیمت انتشارات گالیمار و چیدن باریکه‌های سفید یک‌شکل و یک‌اندازه کنار هم. به این ترتیب او پایه‌گذار مجموعه‌ای شد به نام Folio 2e؛ مجموعه‌ای متشکل از تک‌داستان، مجموعه‌داستان یا بخش‌هایی از شاهکارهای ادبی جهان با قیمتی اندک. هدف این مجموعه خلاصه شده بود در قرار دادن داستان‌ها یا رمان‌های کوتاه یا بخش‌هایی از رمان‌های چندجلدی و گرانبها در دسترس همگان با این امید که خواننده، پس از مطالعه قطعه یا داستان‌های انتخاب‌شده، برای خواندن دیگر آثار نویسنده اشتیاق پیدا کند. اریک فیتوسی از کتابفروش‌های لیون ادعا کرده که بارها پیش آمده خواننده‌ای پس از خرید یکی از کتاب‌های این مجموعه، بازگشته، تشکر کرده و دیگر آثار نویسنده مورد نظر را خریده است. ناگفته نماند این طرح مخالفانی نیز داشته که مدعی بوده‌اند ممکن است کسی با خواندن بخش‌های انتخاب‌شده از یک رمان، دیگر سراغ اصل اثر نرود و مطالعه

تک‌داستان‌ها ممکن است میل خواندن مجموعه آثار نویسنده را در مخاطب از بین ببرد. پاسخ آن‌ها چیزی نبود جز: «خواندن گزیده‌ای از آثار به‌مراتب بهتر از نخواندن آن‌هاست.»

از سوی دیگر، به‌رغم ضرباهنگ سریع زندگی امروز، اوقات ما پر است از فراغت‌های کوتاه و فرصت‌های طلایی. اتاق انتظار پزشک و صف بانک و وقت‌هایی که توی تاکسی و مترو می‌گذرانیم، می‌تواند وقف سرک کشیدن از پنجره‌ای کوچک به جهان عجیب شاهکارهای ادبی شود. نیز، بارها اتفاق افتاده که تلاش کرده‌ایم مطالعه‌ی یکی از این شاهکارها را آغاز کنیم اما به دلیل هیبت اثر، نداشتن زمان کافی یا همگام نشدن با حال و هوای داستان از این کار بازمانده‌ایم. در این مواقع دسترسی به گزیده‌ای خوشخوان و مناسب می‌تواند جرئت و شوق مطالعه‌ی آثاری را که خواندنش کاری شاق به نظر می‌رسید در ما برانگیزد.

گروه انتشاراتی ققنوس، پس از تجزیه و تحلیل اهداف مجموعهٔ Folio 26، تصمیم گرفت امکان کسب چنین تجربه‌ای را برای مخاطبان ایرانی نیز فراهم کند. پس، انتشارات گالیمار را از تصمیم خود مطلع ساخت و چندوچون گرفتن کپی‌رایت آثار را جویا شد. ناشر فرانسوی علاقهٔ بسیاری به انتشار این مجموعه در ایران نشان داد؛ اما از آن‌جا که بعضی آثار به نویسندگان غیرفرانسوی تعلق دارند و از زمان مرگ بعضی‌شان بیش از پنجاه سال گذشته، خود را تنها مسئول واگذاری حق نشر نویسندگان معاصر فرانسوی معرفی کرد. نام مجموعه را نیز در انحصار خود دانست و اجازه نداد این مجموعه با همان نام منتشر شود. بنابراین ناشر این مجموعه را با عنوان پانوراما تقدیم مخاطبان می‌کند و تصمیم دارد جدا از گرفتن اجازهٔ انتشار آثار معاصر فرانسوی، کتاب‌های دیگری نیز به این مجموعه اضافه کند. هدف این مجموعه چیزی نیست جز همان جملهٔ معروف: «خواندن گزیده‌ای از آثار به‌مراتب بهتر از نخواندن آن‌هاست.»

درباره نویسنده

آلبر کامو، نویسنده آلمانی-اسپانیایی تبار، در سال ۱۹۱۳ در شهر موندووی^۱ در الجزایر به دنیا آمد. پدرش که کارگر مزرعه بود در جنگ جهانی اول در خط مقدم کشته شد. پس از مرگ پدر، او به همراه مادرش که در خانه‌های مردم کارگری می‌کرد، ساکن الجزیره شد. او، که دانش‌آموزی با استعداد بود، موفق به دریافت بورسیه شد، مدرک کارشناسی خود را در رشته فلسفه دریافت کرد و دوره کارشناسی ارشد را با ارائه پایان‌نامه‌ای با موضوع رابطه میان تمدن یونان و مسیحیت با مروری بر آثار و تفکر فلوطین^۲ و سنت آگوستین^۳ به پایان رساند. اما به علت ضعف جسمانی و هراس از روزمرگی از تدریس اجتناب کرد و به روزنامه‌نگاری روی آورد. در سال ۱۹۴۳ به حزب کمونیست پیوست. اولین اثر او — رساله‌ای در نوع خود غنی

۱. ایالتی قدیمی در شرق فرانسه. — م.

۲. Mondovi: نام قدیمی شهر دره آن (Dréan) واقع در شرق الجزایر، در سال‌هایی که این سرزمین از مستعمرات فرانسه بود. — م.

۳. Plotin: فیلسوف یونانی و بنیان‌گذار فلسفه نوافلاطونی (۲۰۵-۲۷۰ م). — م.

۴. saint Augustin: آگوستین قدیس، فیلسوف الجزایری (۳۵۴-۴۳۰ م)، و از تأثیرگذارترین اندیشمندان مسیحی در دوران باستان و اوایل قرون وسطی. — م.

با عنوان پشت و رو^۱ — کتابی تجربی از جوانی بیست و دو ساله بود: محله پلکور در الجزایر، خانه‌ای آشنا و «سکوت ستایش برانگیز یک مادر و تلاش یک مرد برای یافتن عدالت یا عشقی که این سکوت را تعدیل کند». یک سال بعد، در سال ۱۹۳۸، آلبر کامو کتاب عروسی‌ها را منتشر کرد که در حقیقت تثبیت و تأیید نبوغ او در نویسندگی بود. جنگ زندگی او را زیر و رو کرد: پس از ممنوعیت انتشار روزنامه الجزیره جمهوری خواه^۲ — که کامو در آن کار می‌کرد — به پاریس رفت. در آن جا به جبهه مقاومت فرانسه ملحق شد و با جمع‌آوری اطلاعات و روزنامه‌نگاری مخفیانه به همکاری با روزنامه زیرزمینی نبرد^۳ پرداخت. در سال ۱۹۴۲ رمان بیگانه منتشر شد؛ رمانی که عنوان اثر پوچ به آن اطلاق شد و کامو در مقاله افسانه سیزیف به تبیین و تفهیم معنای این عنوان پرداخت. این متون در حقیقت نخستین موفقیت‌های آلبر کامو بودند که نخستین نقدها و سوء تفاهم‌ها را نیز برای او در پی داشتند. سپس عضوی از هیئت ارزیابی آثار در انتشارات گالیمار و پس از آزادی فرانسه سردبیر روزنامه نبرد شد. از آن زمان به بعد پیوسته در برابر موضوعات مهم روز — نظیر استعمار و بمب اتم — اعلام موضع می‌کرد. در سال ۱۹۴۷ رمان طاعون منتشر شد؛ داستان عجیب مقابله مردم یک شهر با یک اپیدمی، که برای کامو موفقیتی چشمگیر به همراه آورد و موجب شد او روزنامه‌نگاری را به طور کامل رها و زندگی خود را وقف ادبیات کند. کامو رمان‌های متعدد، داستان‌های کوتاه پر از تردید — نظیر تبعد و سلطنت — نمایشنامه و مقالات زیادی نوشت. رساله عصیانگر مباحثات و مشاجرات زیادی میان آلبر کامو و نویسندگانی نظیر سارتر و برتون

1. *L'envers et L'endroit*

2. *L'Alger républicain*

۳. *Combat*: روزنامه‌ای زیرزمینی که طی سال‌های جنگ جهانی دوم در فرانسه منتشر می‌شد. — م.

به وجود آورد. پیش از انتشار رمان سقوط در سال ۱۹۵۶ — رمانی که شامل اعترافات یک وکیل است — کامو، با اقتباس از آثار نویسندگان خارجی مثل فاکنر، بوتزاتی، کالدرون و داستایفسکی، به خلق آثاری پرداخت. او در سال ۱۹۵۷ برنده نوبل ادبیات شد و شروع کرد به نوشتن رمانی تازه با عنوان مرد اول؛^۱ رمانی که با مرگ کامو در یک حادثه تصادف اتومبیل، در ۴ ژانویه ۱۹۶۰، ناتمام ماند.

آلبر کامو، نویسنده بزرگ قرن بیستم، خالق آثاری است که تماماً بیانگر وضعیت انسان‌اند. آثاری که، با گذر از مفهوم بی‌معنایی، در عصیان به سرانجام می‌رسند، در آن‌ها شور و اشتیاق یک زاده سرزمین مدیترانه‌ای جای خود را به نوعی انسان‌گرایی سراسر اضطراب می‌دهد، و شیوه نگارشی سخت و قاطع جایگزین تغزل متون نخستین می‌شود.

1. *Le premier homme*

اما تو برای روزی روشن و شفاف به جهان پا گذاشته‌ای...^۱
هولدرلین

۱. سطری از شعر-نمایشنامه مرگ امپدوکلس، اثر فریدریش هولدرلین، شاعر و فیلسوف آلمانی (۱۷۷۰-۱۸۴۳). — م.

این متن در سال ۱۹۳۹ نوشته شده است. خواننده برای قضاوت بهتر باید وهران^۱ را به خاطر بیاورد تا بفهمد این شهر امروز می‌توانست چگونه جایی باشد. در حقیقت، موج اعتراضات پرشور برآمده از این شهر زیبا به من این اطمینان خاطر را می‌دهد که وهران می‌توانست (یا خواهد توانست) نواقص و کاستی‌هایش را از بین ببرد. اما در عوض همهٔ زیبایی‌های وصف‌شده در این متن با دقت فراوان حفظ و نگهداری شده‌اند. وهران، این شهر شادمان و واقعیت‌گرا، امروز دیگر به نویسندگان نیازی ندارد: حالا او در انتظار گردشگران است.

(۱۹۵۳)

۱. Oran: دومین شهر بزرگ الجزایر که در شمال غرب این کشور واقع شده و مرکز استان وهران است. — م.

مینوتور^۱ یا توقفگاهِ وهران

برای پی‌یر گالیندو^۲

دیگر کویری در کار نیست. دیگر جزیره‌ای وجود ندارد. با این حال، نیاز به آن‌ها کماکان احساس می‌شود: برای فهم بهتر جهان باید گاهی کنار کشید، برای خدمت کردن به مردم باید گاهی از آن‌ها دور شد. اما کجا می‌توان انزوایی را یافت که برای به دست آوردنِ توان و نیرو ضروری است؟ کجاست مجال تنفسی عمیق و طولانی که با آن روح و ذهن تمرکز خود را بازمی‌یابد و شهادت انسان سنجیده می‌شود؟ شهرهای بزرگ هنوز باقی مانده‌اند. فقط باید شرایط لازم را در آن‌ها فراهم کرد. شهرهایی که در اروپا می‌شود به سراغشان رفت مملو از همهمه و صداهای متعلق به گذشته‌اند. گوشی که تجربه و مهارت کافی در شنیدن دارد می‌تواند صدای بال یا تپش‌های یک روح را هم بشنود. در این شهرها می‌شود چرخشِ قرون، انقلاب‌ها و پیروزی‌ها

۱. در افسانه‌های یونان باستان، مینوتور یا مینوتاوروس موجودی است با سر گاو و بدن انسان. — م.

۲. Pierre Galindo: از دوستان کامو و از اعضای خانوادهٔ کریستین گالیندو، همسر دوم آلبر کامو. شخصیت پی‌یر گالیندو الهام‌بخش کامو در رمان بیگانه بوده است. — م.

را احساس کرد. در آن‌هاست که به یاد می‌آوری جهانِ غرب در خروش و غوغا شکل گرفته و همین امر موجب می‌شود که هرگز سکوت کافی در غرب برقرار نشود.

پاریس گاهی می‌تواند کنج خلوتی باشد برای روح، اما در بعضی ساعات روز، بادی سرکش و عصیانگر از بالای گورستان پرلاشز می‌وزد و این خلوت را پُر می‌کند از پرچم‌ها و شکوه و عظمتی شکست‌خورده. چند شهر اسپانیا، و شهرهای فلورانس و پراگ نیز چنین‌اند. سالزبورگ بدونِ موتسارت شهر آرامی می‌بود. اما گهگاه صدای فریاد پرغرور دون ژوان، که در حال فرورفتن در اعماق دوزخ است، اندام رود زالتساخ^۱ را درمی‌نوردد. وین بی‌صداتر و آرام‌تر به نظر می‌رسد، او در میان باقی شهرها به دختری جوان می‌ماند. بیش از سه قرن از عمر سنگفرش‌هایش نمی‌گذرد و در جوانی این سنگ‌ها از غم خبری نیست. اما وین در چهارراه تاریخ است. گرداگردش طنین تصادم امپراتوری‌های متعدد به گوش می‌رسد. بعضی از شب‌ها که آسمان پوشیده از خون است، انگار اسب‌های سنگی دیوارهای عمارت‌های خیابان رینگ^۲ به پرواز درمی‌آیند. در این لحظات زودگذر که در آن‌ها همه چیز روایتگر قدرت و تاریخ است، در پس هیاهوی هجوم دسته سواره‌نظام لهستانی، می‌شود صدای غوغای فروپاشی سلطنت عثمانی را به وضوح شنید. و همین‌ها موجب می‌شود این شهر هم آن‌قدرها که باید آرام و بی‌صدا نماند.

قطعا در جستجوی همین تنهایی پرازدحام است که به شهرهای اروپا می‌آییم. دست‌کم برای مردمی که می‌دانند قرار است چه کار کنند این‌طور است. مردم در این شهرها می‌توانند همراه و هم‌صحبت خود

۱. Salzach: رودی که از کشورهای آلمان و اتریش می‌گذرد. — م.

۲. Ring: بلواری حلقوی در وین که مرکز این شهر و منطقه تاریخی آن را در بر می‌گیرد. — م.